

فصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات تجربی حسابداری مالی - سال ۱۳ - شماره ۵۳ - بهار ۱۳۹۶  
صفحات ۱۰۵ تا ۱۳۴

## فرضیه سیاسی و کیفیت گزارشگری مالی: شواهدی از بورس اوراق بهادار تهران

\* غلامرضا منصورفر

\*\* بهمن قادری

\*\*\* فاطمه دانشیار

### چکیده

در این پژوهش، اثر فرضیه سیاسی (هزینه‌های سیاسی) بر کیفیت گزارشگری مالی با رویکرد الگوسازی معادلات ساختاری بررسی می‌شود. برای دست‌یابی به اهداف پژوهش، ۶۶ شرکت از بین شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۸۲ تا ۱۳۹۳ به عنوان نمونه آماری انتخاب شدند. هزینه‌های سیاسی به کمک متغیرهای مشاهده‌پذیر نسبت سرمایه‌بری، درجه رقابت در صنعت، نرخ مؤثر مالیاتی، اندازه شرکت، تراکم کارکنان و ریسک اندازه‌گیری می‌شود و سنجش کیفیت گزارشگری مالی نیز با استفاده از شاخص‌های کیفیت اقلام تعهدی، کیفیت افشا، پایداری سود و دقت اطلاعات مالی انجام می‌گیرد. همچنین، متغیرهای نسبت اهرمی و فرصت‌های رشد به عنوان متغیرهای کنترلی وارد الگوی پژوهش شده‌اند. پس از اطمینان یافتن از برازش قابل قبول الگوهای اندازه‌گیری و ساختاری پژوهش، نتایج حاکی از آن است که هزینه‌های سیاسی، اثر منفی و معناداری بر کیفیت گزارشگری مالی دارد.

واژگان کلیدی: فرضیه سیاسی، هزینه‌های سیاسی، کیفیت گزارشگری مالی، الگوسازی معادلات ساختاری.

---

\* دانشیار علوم مالی دانشگاه ارومیه

\*\* کارشناسی ارشد حسابداری دانشگاه ارومیه (نویسنده مسئول) ایمیل: bahman.ghaderi67@yahoo.com

\*\*\* کارشناس ارشد حسابداری دانشگاه ارومیه

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۱۲/۱۶

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۴/۲۲

## مقدمه

اقتصاد سیاسی<sup>۱</sup> حوزه مهمی در مطالعه علمی پدیده‌های اجتماعی است. این نظریه، شکل‌گیری پدیده‌های اجتماعی را ناشی از مؤلفه‌های سیاسی و اقتصادی می‌داند. بر اساس نظریه اقتصاد سیاسی، در اکثر جوامع اقتصادی بازار محور، واحدهای تجاری کانون کنش‌های متقابل اقتصادی، اجتماعی و سیاسی میان گروه‌های مختلف هستند. بنابراین شناخت روابط بین گروه‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی به منظور درک ویژگی‌های در حال تغییر واحدهای تجاری لازم و ضروری است. بر پایه نظریه مزبور، اطلاعات حسابداری تنها برای حمایت از گروه‌های صاحب نفوذ در حوزه‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی تهیه می‌شود. اطلاعاتی که به کمک آن، صاحبان قدرت می‌توانند به نفع شخصی خود از آن اطلاعات استفاده و عمل نمایند (نیکومرام و همکاران، ۱۳۹۲). مطالعات تجربی حسابداری نشان داده است که ساختارهای اقتصادی و سیاسی نظیر نظام حقوقی - قضایی، قوانین تجاری و مالیاتی، عرف، فرهنگ و نظام سیاسی در کنار فشار بازار سرمایه، رفتار مدیران و حساب‌رسان، سرمایه‌گذاران، تدوین کنندگان قوانین و مقررات و دیگر فعالان بازار سرمایه را نسبت به گزارش‌گری مالی تحت تأثیر قرار می‌دهد (بوشمن و پیتروسکی<sup>۲</sup>، ۲۰۰۶). به عنوان مثال، نیکومرام و همکاران (۱۳۹۲) معتقدند، سیاسی بودن مدیریت شرکت‌ها و دولتی بودن صنایع و شرکت‌ها از جمله عوامل تأثیرگذار بر کیفیت گزارش‌گری مالی<sup>۳</sup> می‌باشند. همچنین، رضایی و افروزی (۱۳۹۴) بیان می‌دارند، فشارهای سیاسی یکی از عوامل مؤثر بر کیفیت گزارش‌گری مالی است. بدین معنی که، واحدهای تجاری به منظور مواجهه با فشارهای مزبور، تلاش می‌کنند گزارش‌گری مالی خود را در جهت هدایت نمایند که تفسیر استفاده‌کنندگان از صورت‌های مالی موجب انتقال ثروت به خارج از شرکت نشود. در واقع، توجه به عواقب گزارش‌های مالی موجب می‌شود که صورت‌های مالی، دیگر ارائه‌صادقانه نتایج فعالیت‌های شرکت نباشد (ابراهیمی کردلر و شهریاری، ۱۳۸۸). در این خصوص مشایخ و همکاران (۱۳۹۲) اظهار می‌دارند، فرضیه سیاسی<sup>۴</sup> یکی از عوامل مؤثر بر مدیریت سود است که می‌تواند کیفیت گزارش‌گری مالی را تحت تأثیر قرار دهد. همچنین محمودآبادی و نجفی (۱۳۹۲) نشان دادند، حمایت

1. Political Economy

2. Bushman &amp; Piotroski

3. Financial Reporting Quality

4. Political Hypotheses

سیاسی دولت اثر منفی بر شفافیت و محیط اطلاعاتی شرکت‌ها دارد. بنابراین، به عنوان هدف اصلی، در این پژوهش تلاش می‌شود رابطه بین فرضیه سیاسی و کیفیت گزارش‌گری مالی مورد بررسی قرار گیرد.

### بیان مسئله و اهمیت موضوع

شرکت‌ها در خصوص انتخاب سطح کیفیت گزارش‌گری مالی خود بر اساس هزینه-فایده افشای اطلاعات با کیفیت، تصمیم می‌گیرند. از آنجا که افشای اطلاعات هزینه‌هایی را بر شرکت تحمیل می‌کند، با توجه به این هزینه‌هاست که شرکت‌ها، راهبردهای داخلی را برای تعیین سطح کیفیت گزارش‌گری مالی خود انتخاب می‌کنند (کردستانی و رحیمی، ۱۳۹۰). با توجه به هزینه‌های افشای اطلاعات با کیفیت، در این پژوهش اثر فرضیه سیاسی (هزینه‌های سیاسی)<sup>۱</sup> بر کیفیت گزارش‌گری مالی مورد بررسی قرار گرفته است. در بیان چرایی انتخاب فرضیه سیاسی به عنوان عاملی تأثیرگذار بر کیفیت گزارش‌گری مالی، دو مصداق قابل بیان است:

اول، در کشورهای در حال توسعه که نظام اقتصادی آن‌ها به طور غالب مبتنی بر روابط است، شرکت‌ها به دلیل دولتی بودن، تحت تأثیر نظام اقتصادی دولتی حاکم بر کشور هستند. کشور ما (ایران) از جمله کشورهایی است که حضور دولت در صنایع مختلف آن مشهود است و بسیاری از صنایع علی‌رغم تلاش‌های صورت گرفته در راستای خصوصی‌سازی، کماکان زیر نظر دولت هستند و اعمال کنترل‌های دولت بر سیاست‌های مالی و عملیاتی آن‌ها دیده می‌شود (خواجوی و حسینی، ۱۳۸۹). چانی<sup>۲</sup> و همکاران (۲۰۱۲) معتقدند شرکت‌های دارای روابط سیاسی<sup>۳</sup> به دلیل فقدان نفوذ بازار بر آن‌ها برای افزایش کیفیت اطلاعات حسابداری، اطلاعات با کیفیت پایین‌تری ارائه می‌نمایند. همچنین، شرکت‌های دارای اتصال سیاسی، به دلیل برخورداری از حمایت‌های دولتی، نیاز به بهبود و ارتقای کیفیت افشا و افزایش شفافیت محیط اطلاعاتی را احساس نمی‌کنند. زیرا به آسانی به اعتبارات مالی دسترسی داشته و از امتیازهای ویژه<sup>۴</sup> بهره‌مند می‌گردند (بوشمن و پیتروسکی، ۲۰۰۶؛ لئوز و ابرهولزرگی<sup>۵</sup>، ۲۰۰۶).

1. Political Costs
2. Chaney et al
3. Political Connection
4. Important Licenses
5. Leuz & Oberholzer-Gee

دوم، بر اساس فرضیه سیاسی، این احتمال وجود دارد که سیاستمداران از ارقام حسابداری برداشت سیاسی داشته باشند. برای مثال، احتمال دارد ارقام سود خالص هنگامت گزارش شده توسط شرکت‌ها را علامتی از بازار انحصاری تلقی نمایند. بنابراین، شرکت‌ها برای فرار از عواقب اقتصادی این گونه هزینه‌ها، رویه‌هایی را انتخاب می‌کنند که منجر به کاهش کم‌ترین انتقال ثروت ناشی از فرایندهای نظارتی شود (حیدری و همکاران، ۱۳۹۴). از این‌رو، می‌توان نتیجه گرفت در صورت پذیرش هر یک از سناریوهای فوق، در نهایت کیفیت گزارش‌گری مالی تحت تأثیر قرار گرفته و موجب می‌شود کیفیت اطلاعات حسابداری از جنبه ویژگی‌های کیفی مورد تردید واقع گردد. با این بیان، پژوهش حاضر به منظور پاسخ‌گویی به این سؤال بنا شده است که، آیا هزینه‌های سیاسی اثر معناداری بر کیفیت گزارش‌گری مالی دارد؟ و این که بر اساس مطالب پیش‌گفته می‌توان انتظار داشت که هزینه‌های سیاسی، سطح کیفیت گزارش‌گری مالی را تقلیل دهد؟

## ادبیات و پیشینه پژوهش

### کیفیت گزارش‌گری مالی

برانت<sup>۱</sup> و همکاران (۲۰۱۰) معتقدند، کیفیت گزارش‌گری مالی میزان دقت و صداقت مدیران در ارائه اطلاعات منصفانه و حقیقی برای تصمیم‌گیرندگان تعریف کرده‌اند. به عبارتی، هرگاه مدیران در ارائه اقلام مندرج در صورت‌های مالی دو واژه بی‌طرفی و عینیت را رعایت کرده باشند، می‌توان ادعا کرد که کیفیت گزارش‌گری مالی وجود دارد. بیدل<sup>۲</sup> و همکاران (۲۰۰۹)، اظهار می‌دارند که کیفیت گزارش‌گری مالی عبارت است از دقت اطلاعات گزارش شده برای تشریح بهتر عملیات شرکت که هدف آن، کمک به گروه‌های ذی‌نفع به منظور اتخاذ تصمیم‌گیرهای منطقی و ارزیابی جریان وجوه نقد مورد انتظار شرکت است. در این خصوص، خواجوی و همکاران (۱۳۹۱) معتقدند، رویکردهای متفاوت در خصوص کیفیت گزارش‌گری مالی را می‌توان در دو گروه، طبقه‌بندی نمود. گروه اول، رویکرد مبتنی بر نیاز استفاده‌کنندگان می‌باشد که بر مسائل مرتبط با ارزیابی و سودمندی اطلاعات مالی برای استفاده‌کنندگان تمرکز دارند. گروه دوم، رویکرد مبتنی بر حمایت از سرمایه‌گذار و سهامدار می‌باشد که بر مسائل مرتبط با نحوه اداره شرکت و

1. Brandt et al

2. Biddle et la

مباشرت تأکید دارد. از عوامل مؤثر بر کیفیت گزارشگری مالی به صورت موردی می‌توان به متغیرهایی مانند اندازه شرکت، ساختار مالکیت، اختیار عمل و فلسفه فکری مدیریت، تعارضات نمایندگی، کیفیت نظام راهبری شرکتی، نوع مؤسسه حسابرسی، سطح فروش (درآمد)، ساختار سرمایه، نوع صنعت، استانداردهای حسابداری، قوانین و مقررات حاکم بر نظام اقتصادی، ارتباطات سیاسی و غیره اشاره کرد (رضایی و ویسی‌حصار، ۱۳۹۳؛ کردستانی و رحیمی، ۱۳۹۰؛ سجادی و همکاران، ۱۳۸۸).

### فرضیه سیاسی (هزینه‌های سیاسی)

در نظریه‌های اقتصادی مربوط به فرایند سیاسی<sup>۱</sup> فرض شده است که سیاستمداران دنبال حداکثر کردن ثروت خود هستند. بر اساس این فرضیه، فرایند سیاسی، رقابت برای انتقال ثروت می‌باشد. مشارکت در این فرایند بدون هزینه نیست و مستلزم تقبل هزینه کسب اطلاعات و ائتلاف است. شرکت‌ها نیز در یک محیط سیاسی فعالیت می‌کنند و به ناچار، هزینه‌هایی را از طریق فرایند سیاسی متحمل می‌شوند. در فرایند سیاسی، عوامل زیادی دخیل هستند که شکل و نحوه عمل افراد و شرکت‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد. از جمله این عوامل می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود:

(۱) هزینه اطلاعات<sup>۲</sup>: نفوذ و قدرت تشکلهایی مانند اتحادیه‌ها، اصناف و غیره در بخش‌های مختلف حاکمیتی و نیز تأثیرگذاری این گروه‌ها بر نتیجه انتخابات در مقایسه با تأثیری که یک فرد که دارای یک رأی بوده به مراتب بیشتر است. از طرفی، لویح قانونی و مقررات بسیاری نزد مسئولین دولتی وجود دارد که هزینه‌های مطلع شدن از آنها برای افراد به صورت انفرادی بسیار زیاد است. این امر باعث می‌شود که گروه‌ها در اشکال مختلف آن مثل اتحادیه‌ها و اصناف تشکیل شود تا از طریق ائتلاف با بخش‌ها و نهادهای حکومتی و ایجاد تعاملات دو طرفه، هزینه کسب اطلاعات را کاهش دهند؛<sup>۲</sup> تضاد منافع<sup>۳</sup>: وقتی که گروه‌های بزرگ شکل گرفت، هزینه اطلاعات کاهش می‌یابد. اما همزمان تضاد منافع پیش می‌آید و بهره‌مندی گروه‌های مختلف از فرایند سیاسی یکسان نخواهد بود و (۳) هزینه سازمان‌دهی<sup>۴</sup>: گروه‌های ذی‌نفع برای این که بتوانند در فرایند سیاسی مؤثر

1. Political Process  
2. Information Costs  
3. Conflicts of Interests  
4. Organizing Costs

باشند، باید هزینه‌های سازماندهی را متحمل شوند. بنابراین، فرایند سیاسی بدون تحمل هزینه نمی‌باشد و به‌طور نظام‌مند باعث ایجاد هزینه‌هایی (هزینه‌های سیاسی) برای شرکت‌ها می‌شود (بزرگ‌اصل، ۱۳۷۳).

بر اساس فرضیه سیاسی، برخی از شرکت‌ها بیش‌تر در موضع قوانین سخت دولتی یا سایر گروه‌های قانون‌گذار قرار می‌گیرند (حیدری و همکاران، ۱۳۹۴؛ ابراهیمی کردلر و شهریاری، ۱۳۸۸). میلن<sup>۱</sup> (۲۰۰۱) معتقد است، سیاستمداران این توانایی را دارند که با اعمال هزینه مالیات و قوانین گوناگون، بر بنگاه‌های اقتصادی تأثیر بگذارند (حجازی و اوجی، ۱۳۹۱).

#### فرضیه سیاسی (هزینه‌های سیاسی) و کیفیت گزارش‌گری مالی

روابط و نفوذ سیاسی، انگیزه‌های مدیران را در ارتباط با گزارش‌گری مالی تحت تأثیر قرار می‌دهد. انتظار می‌رود این وضعیت در نهایت سبب ایجاد تفاوت چشم‌گیر در کیفیت گزارش‌گری مالی شرکت‌هایی شود که در مقایسه با سایر شرکت‌ها از هزینه‌های سیاسی بالاتری برخوردارند (رضایی و ویسی‌حصار، ۱۳۹۳). چانی و همکاران (۲۰۱۲) معتقدند به سه دلیل کیفیت گزارش‌گری مالی در شرکت‌های با هزینه سیاسی بالا ضعیف‌تر از سایر شرکت‌هاست. اول؛ در شرکت‌های دارای ارتباطات سیاسی، سود ناشی از بهره‌مندی از امتیازات خاص، بیش‌تر از هزینه‌های است که برای این ارتباطات متحمل می‌شوند. در واقع، مدیران این شرکت‌ها گزارش‌گری منافع دریافتی ناشی از ارتباطات سیاسی خود را با اهداف عمدی برای گمراه کردن سرمایه‌گذاران به تأخیر می‌اندازند تا هزینه‌های آن‌ها جبران شود. دوم؛ از آنجا که این شرکت‌ها از پشتوانه سیاسی برخوردارند، نگرانی‌های مربوط به کیفیت پایین اطلاعات حسابداری آن‌ها کم‌تر است. زیرا، فشار بازار سرمایه بر این شرکت‌ها نسبت به شرکت‌های بدون ارتباطات سیاسی، پایین‌تر است. سوم؛ با توجه به موارد قبلی می‌توان ادعا نمود که شرکت‌های با کیفیت سود پایین‌تر، احتمالاً ارتباطات سیاسی بیش‌تری دارند. به علاوه، شواهد پژوهش چانی و همکاران (۲۰۱۲) نشان داد با این‌که کیفیت سود گزارش‌شده در شرکت‌های با هزینه سیاسی بالا، پایین‌تر از سایر شرکت‌ها بوده است، ولی این قبیل شرکت‌ها بابت پایین‌تر بودن کیفیت گزارش‌گری مالی، توسط بازار جریمه نشدند.

1. Milne

بر اساس نظریه اثباتی<sup>۱</sup>، این احتمال وجود دارد شرکت‌هایی که حساسیت سیاسی دارند، روش‌هایی را انتخاب می‌کنند که سودها را به تعویق اندازند. به بیان دیگر، مدیریت این قبیل واحدهای تجاری روش‌هایی را انتخاب خواهند کرد که سود گزارش شده دوره جاری به دوره(های) آتی انتقال یابد. به عبارتی، شرکت‌ها نسبت به هزینه‌های سیاسی واکنش نشان داده و رویه‌های حسابداری خود را به گونه‌ای انتخاب می‌کنند تا این هزینه‌ها را کاهش دهند (حجازی و اوجی، ۱۳۹۱). در واقع احتمال دارد که فرایند سیاسی، انگیزه‌هایی برای کاهش واریانس تغییرات سود گزارش شده ایجاد نماید. واریانس از این لحاظ مهم است که احتمال می‌رود مقررات دولتی در دوره‌هایی وضع شود که سود، زیاد است و در دوره‌های بعد که سود، پایین‌تر است توجهی به آن صورت نگیرد. این عدم تقارن با هزینه اطلاعات سازگار است. معمولاً افزایش‌ها و درصدهای بالا جلب توجه می‌کند و به عنوان شاهدهی بر وجود بحران یا انحصارگرایی به کار می‌رود و فرضیه تأثیر فرایند سیاسی بر روش‌های حسابداری را مطرح می‌کند. به عنوان مثال، در فرضیه سیاسی عنوان شده که شرکت‌های بزرگ‌تر در مقایسه با شرکت‌های کوچک‌تر از حساسیت سیاسی بیشتری برخوردارند. بنابراین با انگیزه‌های متفاوتی در انتخاب رویه‌های حسابداری مواجه می‌باشند و شرکت‌های بزرگ‌تر به احتمال بیشتر روش‌هایی را اتخاذ خواهند کرد که سود را به تعویق بیندازند. زیمرمن<sup>۲</sup> (۱۹۸۳) به صورت تجربی، ارتباط بین نرخ‌های مالیاتی و اندازه شرکت را بررسی و نتایج این پژوهش نشان داد شرکت‌های بزرگ نسبت به شرکت‌های کوچک‌تر نرخ مالیاتی بالاتری دارند در نتیجه با هزینه‌های سیاسی بیش‌تری مواجه هستند (علی‌صوفی، ۱۳۹۴). بنابراین، می‌توان انتظار داشت که شرکت‌های با نرخ مالیاتی بالا، به منظور کاهش منابع خروجی ناشی از پرداخت مالیات، اقدام مندرج در صورت‌های مالی را دستخوش تغییر قرار دهند.

با توجه به مطالب عنوان شده، انتظار بر این است که فرضیه سیاسی (هزینه‌های سیاسی) کیفیت گزارشگری مالی را تحت تأثیر قرار داده و کیفیت اطلاعات صورت‌های مالی و ارقام مندرج در آن را کاهش دهد.

1. Positive Theory  
2. Zimmerman

## پیشینه پژوهش

گادفری و جونز<sup>۱</sup> (۱۹۹۹)، اثر هزینه‌های سیاسی بر هموارسازی سود در آمریکا را مورد مطالعه قرار دادند. نتایج نشان داد شرکت‌های فعال در بخش بانکداری، مالی، تحقیقاتی، بنیادی و خدمات شهری هزینه‌های سیاسی بیش‌تری را متحمل می‌شوند. صالح و دونمور<sup>۲</sup> (۲۰۰۹)، به بررسی رابطه بین حمایت سیاسی دولت، حاکمیت شرکتی و کیفیت گزارش‌گری مالی در مالزی پرداختند. نتایج نشان داد، زمانی که حضور سیاستمداران در هیئت مدیره شرکت‌ها به عنوان نماینده حمایت سیاسی دولت در نظر گرفته می‌شود، این مسئله، منجر به تضعیف حاکمیت شرکتی و کاهش کیفیت گزارش‌گری مالی می‌شود. اما زمانی که مالکیت دولتی به عنوان نماینده حمایت سیاسی دولت در نظر گرفته می‌شود، این عامل، بهبود حاکمیت شرکتی و افزایش کیفیت گزارش‌گری مالی را به دنبال دارد. محمد<sup>۳</sup> و همکاران (۲۰۱۱)، روابط بین محافظه‌کاری، حاکمیت شرکتی و حمایت سیاسی دولت را در مالزی مورد مطالعه قرار دادند. نتایج نشان داد که حضور افراد دارای حمایت سیاسی دولت در هیئت مدیره، منجر به کاهش محافظه‌کاری می‌شود و این رابطه زمانی که مالکیت دولتی افزایش پیدا می‌کند، شدت بیشتری می‌یابد. همچنین، نتایج تأیید کننده نقش حاکمیت شرکتی و هزینه‌های سیاسی در مشکلات نمایندگی و اثرگذاری آن بر کیفیت گزارش‌گری مالی بود. چن<sup>۴</sup> و همکاران (۲۰۱۱)، اثر هزینه‌های سیاسی بر مدیریت سود (به عنوان شاخصی از کیفیت گزارشگری مالی) در شرکت‌های چینی را مورد بررسی قرار داد. نتایج حاکی از آن بود که شرکت‌ها در دوران تحول اقتصادی با فشارهای سیاسی از سوی دولت مواجه بوده‌اند و برای کاهش این فشارها به مدیریت سود روی آورده‌اند. سانگ<sup>۵</sup> و همکاران (۲۰۱۱)، با بررسی اثر هزینه‌های سیاسی بر مدیریت سود (به عنوان شاخصی از کیفیت گزارشگری مالی) نشان دادند که مدیریت سود در شرکت‌های با روابط سیاسی بالا، کم‌تر از سایر شرکت‌ها بوده و نوع مدیریت سود بیش‌تر از نوع حداقل‌سازی سود بوده است. کوری<sup>۶</sup> (۲۰۱۲)، روابط سیاسی و کیفیت اطلاعات حسابداری را در آمریکا مورد مطالعه قرار داده و نشان داد، شرکت‌هایی که دارای روابط سیاسی هستند، کم‌تر از سوی کمیسیون بورس اوراق بهادار جریمه می‌شوند. هم‌چنین، بخشی از

1. Godfrey & Jones
2. Salleh & Dunmore
3. Mohammed et al
4. Chen et al
5. Song et al
6. Correia



نتایج پژوهش حاکی از آن بود که شرکت‌هایی که کیفیت اطلاعات حسابداری آن پایین‌تر از سایر شرکت‌ها است، برای جلوگیری از جریمه کمیسیون بورس اوراق بهادار، از روابط سیاسی استفاده می‌کنند.

ابراهیمی کردلر و شهریاری (۱۳۸۸)، با بررسی رابطه هزینه‌های سیاسی و محافظه‌کاری در بورس اوراق بهادار تهران به این نتیجه رسیدند که بین اندازه شرکت و تراکم سرمایه‌گذاری با محافظه‌کاری، رابطه منفی و بین نسبت رقابت و مالکیت دولتی با محافظه‌کاری، رابطه مثبت وجود دارد. همچنین نتایج نشان داد بین نرخ مؤثر مالیاتی و ریسک با محافظه‌کاری، رابطه معنی‌داری وجود ندارد. پورحیدری و همتی (۱۳۸۶)، اثر قراردادهای بدهی، هزینه‌های سیاسی، طرح پاداش و مالکیت بر مدیریت سود را مورد مطالعه قرار دادند. بخشی از نتایج پژوهش حاکی از آن بود که فشارهای سیاسی بر شرکت‌های با تعداد کارکنان زیاد، بالا بوده و این قبیل شرکت‌ها، هزینه‌های سیاسی بیش‌تری را متحمل می‌شوند. در نتیجه، مدیریت این شرکت‌ها به منظور تقلیل هزینه‌های سیاسی، اقدام به مدیریت سود (کاهش سودهای گزارش شده) می‌نمایند. رضایی و ویسی‌حصار (۱۳۹۲)، در بررسی اثر روابط سیاسی بر رابطه بین تمرکز مالکیت با کیفیت گزارش‌گری مالی و هزینه سهام عادی به این نتیجه رسیدند که در شرکت‌های با ساختار مالکیت متمرکز، کیفیت سود نیز بالا است؛ حال آن‌که در شرکت‌های دارای روابط سیاسی گسترده با دولت که ساختار مالکیت متمرکزی دارند، کیفیت سود پایین‌تر است، ولی در شرکت‌های دارای روابط سیاسی گسترده با دولت که ساختار مالکیت متمرکزی دارند، هزینه سهام عادی بالا است. حیدری و همکاران (۱۳۹۴)، رابطه بین فرضیه سیاسی و فرصت‌های رشد شرکت را در بورس اوراق بهادار تهران مورد بررسی قرار دادند. نتایج این پژوهش نشان داد هزینه‌های سیاسی اثر مثبت و معناداری بر فرصت‌های رشد شرکت دارد. جنانی و علی‌آبادی (۱۳۹۵)، رابطه بین هزینه‌های سیاسی و بازده غیرعادی سهام را در بورس اوراق بهادار تهران مورد مطالعه قرار دادند. نتایج نشان داد بین اندازه شرکت و تراکم سرمایه‌گذاری با بازده غیرعادی سهام، رابطه مثبت و معنادار وجود دارد. این در حالی است که بین ریسک سیستماتیک و بازده غیرعادی رابطه منفی و معنادار برقرار بود. به‌طور کلی نتایج این پژوهش حاکی از آن بود که بین هزینه‌های سیاسی و بازده غیرعادی سهام، رابطه معنادار وجود دارد.

در پژوهش‌های قبلی بیشتر ارتباط هزینه‌های سیاسی با نظام راهبری شرکتی، مدیریت

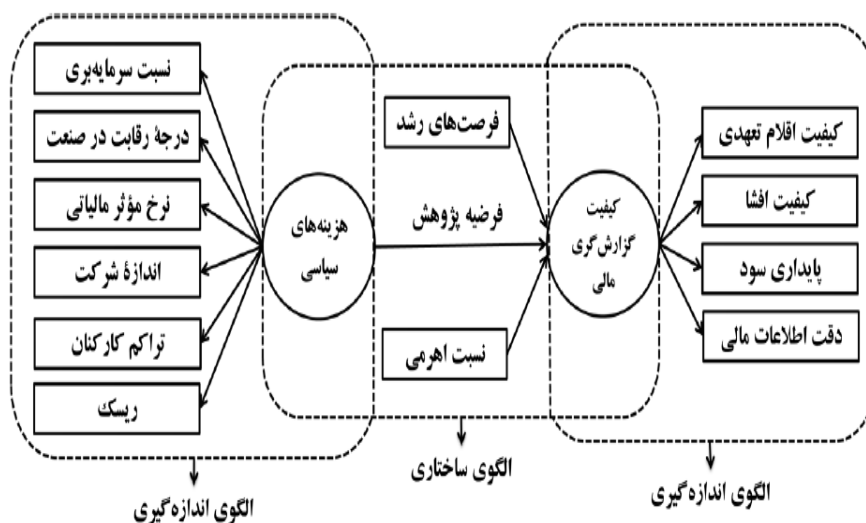
سود، شفافیت اطلاعات مالی، بازده سهام و نیز تأمین مالی خارج از سازمان مورد بررسی قرار گرفته است. این در حالی است که پژوهش حاضر با طرح ارتباط موضوع فرضیه سیاسی (هزینه‌های سیاسی) با کیفیت گزارشگری مالی، علاوه بر توسعه بخشی ادبیات نظری بحث هزینه‌های سیاسی در حسابداری، با به کارگیری الگوسازی معادلات ساختاری در بررسی جوانب مختلف روابط احتمالی بین مؤلفه‌های مذکور، نخستین پژوهش در این حوزه محسوب می‌گردد.

### فرضیه پژوهش

بر اساس مطالب عنوان شده در بخش مقدمه، ادبیات و پیشینه پژوهش و نیز به منظور پاسخ گویی به سؤال مطرح شده در بخش بیان مسئله، فرضیه پژوهش به صورت ذیل تدوین شده است: "بین هزینه‌های سیاسی و کیفیت گزارشگری مالی، رابطه منفی و معناداری وجود دارد".

### الگوی مفهومی پژوهش

در شکل (۱)، الگوی مفهومی پژوهش بر اساس رویکرد الگوسازی معادلات ساختاری<sup>۱</sup> ترسیم شده است. در این الگو، هزینه‌های سیاسی به عنوان متغیر مستقل و کیفیت گزارشگری مالی به عنوان متغیر وابسته در نظر گرفته شده‌اند. همچنین، متغیرهای نسبت اهرمی و فرصت‌های رشد به عنوان متغیرهای کنترلی وارد الگوی پژوهش شده‌اند.



شکل ۱. الگوی مفهومی پژوهش

### روش پژوهش

جامعه آماری پژوهش، شامل کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران به غیر از شرکت‌های سرمایه‌گذاری، واسطه‌گری مالی، هلدینگ و بانک‌ها به دلیل متفاوت بودن افشای مالی و ساختارهای اصول راهبری آن‌ها می‌باشد. برای این منظور، اطلاعات مورد نیاز برای یک دوره دوازده ساله بر اساس صورت‌های مالی سال‌های ۱۳۸۲ الی ۱۳۹۳ جمع‌آوری شده است. برای انتخاب نمونه آماری از روش حذف نظام‌مند استفاده شده است. در این روش، شرکت‌هایی به عنوان نمونه پژوهش انتخاب می‌شوند که طی سال‌های ۱۳۸۲ الی ۱۳۹۳ در بورس اوراق بهادار تهران پذیرفته شده باشند؛ پایان سالی مالی آنها منتهی به آخر اسفند ماه هر سال باشد؛ طی دوره پژوهش، تغییر فعالیت و/یا تغییر سال مالی نداده و هم‌چنین، برای مدت بیش از شش ماه نیز توقف معاملاتی نداشته باشند. با در نظر گرفتن محدودیت‌های پیش گفته، ۶۶ شرکت به عنوان نمونه پژوهش انتخاب گردید.

پژوهش حاضر از نظر روش، از نوع توصیفی-همبستگی بوده و در آن تلاش می‌شود رابطه بین هزینه‌های سیاسی و کیفیت گزارشگری مالی توصیف گردد. از منظر بررسی داده‌ها نیز، این مطالعه، از نوع پس رویدادی است. اطلاعات مربوط به متغیرهای پژوهش از نرم‌افزار ره‌آورد نوین و صورت‌های مالی حسابرسی شده (غیرتلفیقی) جمع‌آوری شده

است.

همان طور که در الگوی مفهومی پژوهش عنوان شد، به منظور بررسی رابطه بین هزینه‌های سیاسی و کیفیت گزارش‌گری مالی، از رویکرد الگوسازی معادلات ساختاری استفاده شده است. دلایل انتخاب این روش را می‌توان به این صورت برشمرد: اول، در ادبیات مالی شرکتی و حسابداری، کیفیت گزارش‌گری مالی و هزینه‌های سیاسی جزو متغیرهایی هستند که به صورت مستقیم برای پژوهش‌گر قابل مشاهده و اندازه‌گیری نیستند، بنابراین، این دسته از متغیرها به عنوان متغیر پنهان<sup>۱</sup> با استفاده از یک سری متغیرهای مشاهده‌پذیر<sup>۲</sup>، که معرف رفتار آن است، اندازه‌گیری می‌شوند (قاسمی، ۱۳۹۲؛ ابارشی و حسینی، ۱۳۹۱). این در حالی است که در کلیه مطالعات پیشین، کیفیت گزارش‌گری مالی و هزینه‌های سیاسی به عنوان متغیرهای مشاهده‌پذیر مورد مطالعه قرار گرفته‌اند. لذا، پژوهش حاضر به واسطه استفاده از الگوی مناسب جهت اندازه‌گیری این متغیرها، از روایی بالاتری برخوردار است؛ دوم، تجزیه و تحلیل‌های رگرسیونی رایج، تا حد زیادی خطای اندازه‌گیری<sup>۳</sup> در متغیرهای توضیحی را نادیده می‌گیرند. در نتیجه، یافته‌های رگرسیونی ممکن است نادرست و شامل نتایج گمراه‌کننده باشد؛ سوم، مطالعه اثرات مستقیم و غیرمستقیم<sup>۴</sup> متغیرهای درگیر در یک الگو برای محقق به آسانی امکان‌پذیر نیست؛ چهارم، الگوهای رگرسیونی فاقد ساختار هستند. بدین معنی که چگونگی رابطه متغیرهای مستقل با یکدیگر و هم‌چنین با متغیر وابسته مشخص نیست (ابارشی و حسینی، ۱۳۹۱).

مرتب کردن و طبقه‌بندی اولیه داده‌ها به وسیله صفحه گسترده Excel و تجزیه و تحلیل آماری با استفاده از نرم‌افزار SPSS (نسخه ۲۰) و AMOS (نسخه ۱۶) انجام شده است. از آنجا که الگوی معادله ساختاری، ترکیبی از الگوهای اندازه‌گیری<sup>۵</sup> (تحلیل عاملی تأییدی<sup>۶</sup>) و الگوی ساختاری<sup>۷</sup> (تحلیل مسیر<sup>۸</sup>) است، برای آزمون فرضیه پژوهش، یک فرایند دو مرحله‌ای طی می‌شود. ابتدا باید از برازش<sup>۹</sup> قابل قبول الگوهای اندازه‌گیری (هزینه‌های سیاسی و کیفیت گزارش‌گری مالی) اطمینان حاصل شود و سپس برازش

1. Latent Variable
2. Observed Variable
3. Measurement Error
4. Direct & Indirect Effects
5. Measurement Model
6. Confirmatory Factor Analysis
7. Structural Model
8. Path Analysis
9. Goodness of Fit

الگوی ساختاری (روابط بین هزینه‌های سیاسی، کیفیت گزارش‌گری مالی، فرصت‌های رشد و نسبت اهرمی) مورد بررسی قرار گیرد. تمایز بین الگوی اندازه‌گیری و الگوی ساختاری پژوهش در گام‌های بعدی فرایند الگوسازی معادلات ساختاری نقش مهمی را ایفا می‌نماید. در واقع، چنانچه الگوی اندازه‌گیری، برازش مناسبی از اندازه‌گیری متغیر پنهان را نشان دهد، برازش الگوی ساختاری با اطمینان بیش‌تری صورت خواهد گرفت (قاسمی، ۱۳۹۲؛ ابارشی و حسینی، ۱۳۹۱). برای رد یا عدم رد فرضیه پژوهش، از آزمون معنی‌داری هر یک از ضرایب مسیر استاندارد شده الگوی ساختاری (آزمون تی-استیودنت) در سطح اطمینان ۹۵ درصد استفاده شده است.

### متغیرهای پژوهش و نحوه محاسبه آنها

#### متغیر مستقل: هزینه‌های سیاسی

اندازه شرکت: هزینه‌های تحمیل شده به شرکت‌ها تابعی از اندازه آنها است. چرا که شرکت‌های کوچک‌تر کم‌تر قابل مشاهده می‌باشند. از این‌رو، کم‌تر موضوع توزیع‌های سیاسی ثروت هستند (ابراهیمی کردلر و شهریاری، ۱۳۸۸). یکی از دلایلی که اندازه، به طور معقولانه سنجشی منصفانه برای حساسیت به هزینه‌های سیاسی می‌باشد این است که به آسانی مورد سنجش قرار می‌گیرد. هم‌چنین، باید اشاره نمود که شرکت‌های بزرگ بیش‌تر مورد توجه رسانه‌ها و عموم می‌باشند و ممکن است از استانداردهای بالاتری از مسئولیت‌های اجتماعی نسبت به شرکت‌های کوچک برخوردار باشند (حجازی و اوجی، ۱۳۹۱). در این خصوص، بر اساس نظریه قدرت اقتصادی<sup>۱</sup> و نفوذ سیاسی که توسط سالامون و سیگفرید<sup>۲</sup> (۱۹۷۷) مطرح شد، شرکت‌های بزرگ از قدرت سیاسی و اقتصادی ممتازی نسبت به شرکت‌های کوچک برخوردارند. این متغیر برابر است با لگاریتم طبیعی مجموع دارایی‌های شرکت. واتز و زیمرمن<sup>۳</sup> (۱۹۸۶)، کرن و موریس<sup>۴</sup> (۱۹۹۱)، ابراهیمی کردلر و شهریاری (۱۳۸۸) و حیدری و همکاران (۱۳۹۴) از این متغیر به عنوان نماینده سنجش هزینه‌های سیاسی استفاده کرده‌اند؛ نسبت سرمایه‌بری<sup>۵</sup>: شرکت‌هایی که حجم بالایی از اموال، ماشین‌آلات و تجهیزات را در اختیار دارند، به دلیل آن‌که هزینه‌های

1. Economic Power  
2. Salamon & Siegfried  
3. Watts & Zimmerman  
4. Kern & Morris  
5. Capital Intensity

فرصت را در محاسبه سود خالص وارد نمی‌کنند، به طور میانگین سود بالاتری نسبت به شرکت‌هایی که حجم کم‌تری از این دارایی‌ها را در اختیار دارند، گزارش می‌کنند. لذا، این شرکت‌ها بیش‌تر مورد توجه نهادهای دولتی قرار دارند. هم‌چنین، مشابه عامل اندازه، می‌توان عنوان داشت که شرکت‌های بزرگ حجم بالایی از دارایی‌های ثابت را در اختیار دارند. بنابراین، از این جنبه نیز این قبیل شرکت‌ها در کانون توجه سیاستمداران قرار می‌گیرند. این نسبت برابر است با نسبت مجموع دارایی‌های ثابت (اموال، ماشین‌آلات و تجهیزات) به جمع فروش شرکت. ونگ<sup>۱</sup> (۱۹۸۸)، بلکویی و کارپیک<sup>۲</sup> (۱۹۸۹)، ابراهیمی‌کردلر و شهریاری (۱۳۸۸) و حیدری و همکاران (۱۳۹۴) از این متغیر برای سنجش هزینه‌های سیاسی استفاده کرده‌اند؛ درجه رقابت در صنعت<sup>۳</sup>: با بیشتر شدن رقابت، احتمال اقدامات ضدتراستی که می‌تواند منجر به تکه تکه شدن شرکت و یا بعضی اقدامات دولت که رقابت را افزایش خواهد داد، بیش‌تر می‌شود (ابراهیمی‌کردلر و شهریاری، ۱۳۸۸). این متغیر برابر است با نسبت جمع فروش شرکت به مجموع فروش صنعتی که شرکت در آن مشغول به فعالیت است. واتز و زیمرمن (۱۹۸۶)، ونگ (۱۹۸۸)، گادفری و جونز (۱۹۹۹)، ابراهیمی‌کردلر و شهریاری (۱۳۸۸) و حیدری و همکاران (۱۳۹۴) از این متغیر برای سنجش هزینه‌های سیاسی استفاده کرده‌اند؛ نرخ مؤثر مالیاتی: واتز و زیمرمن (۱۹۸۶) معتقدند، مستقیم‌ترین روش برای انتقال دارایی‌های شرکت‌ها از طریق سیستم مالیات است و مالیات بر درآمد، بخشی از هزینه‌های سیاسی است که توسط شرکت‌ها تحمل می‌شود. در این خصوص، زیمرمن (۱۹۸۳) ادعا نمود مالیات بر درآمد یک جزء از هزینه‌های سیاسی است که توسط شرکت‌ها تحمل می‌شود. فاسیو<sup>۴</sup> (۲۰۰۷) نیز بیان می‌دارد، شرکت‌های دارای روابط سیاسی به دلیل تخفیف مالیاتی، نرخ مؤثر مالیاتی کم‌تری نسبت به شرکت‌های بدون روابط سیاسی دارند. این نسبت برابر است با نسبت هزینه مالیات به سود قبل از مالیات شرکت. کرن و موریس (۱۹۹۱)، اینویو و توماس<sup>۵</sup> (۱۹۹۶) و ابراهیمی‌کردلر و شهریاری (۱۳۸۸) این متغیر را به عنوان معرف هزینه‌های سیاسی بکار برده‌اند؛ تراکم کارکنان<sup>۶</sup>: رضایی و افروزی (۱۳۹۴) معتقدند، هر چه تعداد کارکنان بیشتر باشد، فشار وارده به شرکت بیشتر خواهد بود. از طرفی، شرکت از آن به

1. Wong

2. Belkaoui &amp; Karpik

3. Concentrate Rate

4. Faccio

5. Inoue &amp; Tomas

6. Employee Intensity

عنوان اهرم فشار به دولت استفاده می‌کند، زیرا نیروی انسانی کار از جنبه اقتصادی در جامعه، اهمیت زیادی دارد. شرکت‌هایی که نیروی کار زیادی جذب می‌کنند، بخشی از فشارهای وارده به دولت را کاهش می‌دهند. همچنین، تعداد کارکنان بیشتر، باعث می‌شود از بُعد دریافت بیمه سهم کارگر و کارفرما، به منظور حفظ منافع، بین دولت و واحدهای تجاری نوعی تعامل دو طرفه ایجاد شود. بنابراین، تعداد کارکنان شرکت یکی از شاخص‌های حساسیت سیاسی است. این نسبت برابر است با نسبت جمع کارکنان واحد تجاری به جمع فروش شرکت. پورحیدری و همتی (۱۳۸۶) و رضایی و افروزی (۱۳۹۴) از این متغیر به عنوان نماینده سنجش هزینه‌های سیاسی استفاده کرده‌اند؛ ریسک: در حالت تعادل، بازدهی مورد انتظار با ریسک سیستماتیک رابطه مستقیم دارد. بنابراین، شرکت‌های با ریسک سیستماتیک بالاتر به طور میانگین بازدهی‌های حسابداری بالاتر دارند. این بدان معنی است که اگر سیاستمداران سود گزارش شده شرکت‌ها را از لحاظ ریسک تعدیل نکنند، شرکت‌های پرریسک‌تر به نظر سودهای مازاد به دست می‌آورند و بنابراین مورد توجه قانون‌گذاران قرار می‌گیرند (ابراهیمی کردلر و شهریاری، ۱۳۸۸). این متغیر ضریب بتای به دست آمده بر اساس الگوی قیمت گذاری دارایی‌های سرمایه‌ای<sup>۱</sup> و بر اساس بازدهی ۱۲ ماهه، محاسبه شده است. واتز و زیمرمن (۱۹۸۶)، ژیموسکی و هاگرن (۱۹۸۱)، ابراهیمی کردلر و شهریاری (۱۳۸۸) و حیدری و همکاران (۱۳۹۴) از این متغیر به عنوان نماینده سنجش هزینه‌های سیاسی استفاده کرده‌اند.

### متغیر وابسته: کیفیت گزارش‌گری مالی

کیفیت ارقام تعهدی: استفاده از کیفیت ارقام تعهدی بر این ایده استوار است که ارقام تعهدی توان اطلاع‌دهندگی سود را از طریق هموارسازی نوسان‌های جریان‌های نقدی بهبود می‌بخشد و هنگامی که ارقام تعهدی به منظور برآورد جریان‌های نقدی و سودهای آتی استفاده می‌شود، در صورتی که خطای اندکی در فرایند تخمین ارقام تعهدی وجود داشته باشد (کیفیت ارقام تعهدی بالا باشد)، این برآوردها بسیار قابل اتکا هستند (تقفی و عرب‌مازار یزدی، ۱۳۸۹). فرانسیس<sup>۲</sup> و همکاران (۲۰۰۵)، بیدل و همکاران (۲۰۰۹) و هاشمی و همکاران (۱۳۹۳) معتقدند، کیفیت ارقام تعهدی معیاری از کیفیت گزارش‌گری

1. Capital Assets Pricing Model

2. Francis et al

مالی است. در این پژوهش برای اندازه‌گیری کیفیت ارقام تعهدی از الگوی مک‌نیکولز<sup>۱</sup> (۲۰۰۲) استفاده شده است:

$$\Delta WC_t = \alpha + \beta_1 CFO_{t-1} + \beta_2 CFO_t + \beta_3 CFO_{t+1} + \beta_4 \Delta REV_t + \beta_5 PPE_t + \varepsilon \quad (۱)$$

که  $\Delta WC_t$ : تغییرات سرمایه در گردش است که از تغییرات حساب‌های دریافتی به علاوه تغییرات موجودی کالا و سایر دارایی‌های جاری منهای تغییرات حساب‌های پرداختی محاسبه می‌شود؛ CFO: وجوه نقد حاصل از عملیات واحد تجاری است؛  $\Delta REV_t$ : تغییرات در درآمد سال جاری است و  $PPE_t$ : برابر است با میزان تجهیزات، اموال و ماشین‌آلات دوره جاری. همه متغیرهای فوق‌الذکر با استفاده از متوسط مجموع دارایی‌ها همگن شده‌اند. انحراف معیار خطای باقی‌مانده معادله (۱)، نشان دهنده کیفیت ارقام تعهدی می‌باشد و هر اندازه مقدار آن کم‌تر باشد، کیفیت گزارش‌گری مالی بالاتر خواهد بود؛ پایداری سود: نیکومرام و فتحی (۱۳۹۰) معتقدند، اطلاعات سود دوره جاری شرکت‌ها برای پیش‌بینی سودهای آتی می‌تواند به عنوان معیاری از کیفیت گزارش‌گری مالی در نظر گرفته شود. در این حالت کیفیت گزارش‌های مالی می‌تواند جنبه پشتیبانی برای تصمیم‌گیری‌های اقتصادی را داشته باشد. پایداری سود از جمله ویژگی‌های کیفی سود حسابداری است که مبتنی بر اطلاعات مندرج در صورت‌های مالی است. هر چه پایداری سود بیش‌تر باشد، فرض بر آن است که کیفیت سود و به تبع آن، کیفیت گزارش‌گری مالی بالاتر است. دیدار و همکاران (۱۳۹۵) و پیری و همکاران (۱۳۹۴) به منظور سنجش کیفیت گزارش‌گری مالی از این متغیر استفاده کرده‌اند. برای اندازه‌گیری تداوم و پایداری سود، پژوهش‌گران یک الگوی رگرسیونی برای ارزش آتی سودها نسبت به ارزش‌های جاری سودها تخمین می‌زنند که به صورت ذیل بیان می‌شود:

$$Earnings_{t+1} = \alpha + \beta Earnings_t + \varepsilon_t \quad (۲)$$

در معادله (۲) از ضریب  $\beta$  برای اندازه‌گیری پایداری سود استفاده می‌شود که در پژوهش حاضر جهت محاسبه آن برای هر سال - شرکت بر اساس الگوی فرانسیس و همکاران (۲۰۰۵)، از برازش رگرسیون فوق به صورت سری زمانی پنج ساله استفاده شده است؛ کیفیت افشا: شرکت‌ها می‌توانند از طریق افشای اطلاعات، عدم تقارن اطلاعاتی و تعارضات نمایندگی را کاهش داده و به واسطه بهبود گزارش‌گری مالی، کیفیت تصمیم‌های



سرمایه‌گذاری را تحت تأثیر قرار دهند (باغومیان و نقدی، ۱۳۹۳). دیدار و همکاران (۱۳۹۵) و ستایش و ابراهیمی (۱۳۹۴) به منظور سنجش کیفیت گزارشگری مالی از این متغیر استفاده کرده‌اند. در پژوهش حاضر این متغیر با استفاده از امتیاز شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران از نظر کیفیت افشا و اطلاع رسانی مناسب اندازه‌گیری می‌شود؛

**دقت اطلاعات مالی:** دقت اطلاعات مالی بیان‌گر توانایی اجزای سود تعهدی حسابداری (تحت شرایط انعطاف‌پذیری و اختیار عمل در انتخاب از میان رویه‌ها و برآوردهای حسابداری) برای پیش‌بینی جریان‌های نقدی مورد انتظار آینده می‌باشد. بنابراین، بالا بودن دقت و توان پیش‌بینی‌کنندگی اجزای سود تعهدی از شاخص‌های تعیین محتوای اطلاعاتی و کیفیت بالای گزارش‌گری مالی می‌باشد (خواجوی و همکاران، ۱۳۹۱). بارث<sup>۱</sup> و همکاران (۲۰۰۱) و دارابی و پیری (۱۳۹۳) بیان می‌دارند، دقت اطلاعات مالی، یکی از متغیرهای معرف کیفیت گزارش‌گری مالی است. برای اندازه‌گیری میزان دقت اطلاعات مالی به صورت تجربی از پس‌مانده‌های معادله رگرسیون پیش‌بینی جریان‌های نقدی آینده با استفاده از اجزای تشکیل‌دهنده سود عملیاتی حسابداری یک دوره قبل استفاده می‌گردد (بارث و همکاران، ۲۰۰۱).

$$\begin{aligned} \Delta WC_{i,t+1} = & \alpha_0 + \beta_1 CFO_{i,t} + \beta_2 AR_{i,t} + \beta_3 INV_{i,t} \\ & + \beta_4 AP_{i,t} + \beta_5 DEPR_{i,t} + \beta_6 OTHER_{i,t} \\ & + \varepsilon_{i,t} \end{aligned} \quad \text{معادله (۳)}$$

که CFO: جریان وجوه نقد حاصل از عملیات؛ AR: تغییر در حساب‌های دریافتی؛ INV: تغییر در موجودی کالا، AP: تغییر در حساب‌های پرداختی و بدهی‌های معوق، DEPR: هزینه استهلاک دارایی‌های ثابت و نامشهود و OTHER: خالص سایر اقلام تعهدی است که به صورت زیر محاسبه می‌شود:

$$OTHER = OP - (CFO + \Delta AR + \Delta INV + \Delta AP - DEPR) \quad \text{معادله (۴)}$$

که در آن OP: برابر است با سود عملیاتی واحد تجاری و  $\varepsilon$ : مقدار خطا که فرض می‌شود دارای میانگین صفر و واریانس ثابت است. معیار تجربی اندازه‌گیری کیفیت گزارشگری مالی، قدر مطلق پس‌مانده‌ها است. هر اندازه پس‌مانده‌ها کوچک‌تر باشد، دقت اطلاعات مالی و کیفیت گزارشگری مالی بالاتر خواهد بود (نیکومرام و بادآورنندی، ۱۳۸۸).

### متغیرهای کنترلی

فرصت‌های رشد: یکی از عوامل مؤثر بر کیفیت گزارش‌گری مالی، فرصت‌های رشد می‌باشد. عموماً شرکت‌هایی که به دنبال رشد و پیشرفت هستند باید سطح کیفیت گزارش‌گری مالی بالاتری را انتخاب کنند تا مشتریان و طرف‌های تجاری با استفاده از صورت‌های مالی بتوانند جریان‌های نقدی آتی شرکت را پیش‌بینی نموده و با اطمینان خاطر بالاتری با شرکت ارتباط تجاری داشته باشند (کردستانی و رحیمی، ۱۳۹۰). فرصت‌های رشد در این پژوهش برابر است با نسبت ارزش بازار شرکت به جمع ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام؛

نسبت اهرمی: بر اساس نظریه نمایندگی، شرکت‌های اهرمی با هزینه‌های نمایندگی بیش‌تری مواجه هستند. از این‌رو، تقاضای بیش‌تری برای کنترل و نظارت دارند. در این حالت، انگیزه مدیران برای ارائه صورت‌های مالی با کیفیت بالاتر با سطح کشمکش نمایندگی سهامداران- دارندگان اوراق بدهی که با میزان اهرم در ساختار سرمایه سنجیده می‌شود، افزایش می‌یابد (کردستانی و رحیمی، ۱۳۹۰). در پژوهش حاضر، این نسبت برابر با جمع بدهی‌های بلندمدت به جمع دارایی‌های شرکت در نظر گرفته شده است.

### یافته‌های پژوهش

#### آمار توصیفی

به منظور بررسی و تجزیه و تحلیل اولیه داده‌ها، آمار توصیفی متغیرهای پژوهش محاسبه و در جدول (۱) ارائه گردیده است. همان‌طور که مشاهده می‌شود، بیش‌ترین و کمترین مقدار میانگین به ترتیب متعلق به متغیرهای کیفیت افشا و تراکم کارکنان می‌باشد و هم‌چنین، کم‌ترین و بیش‌ترین مقادیر انحراف معیار نیز به ترتیب مربوط کیفیت افشا و تراکم کارکنان است.

جدول ۱. آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیر	نماد	میانگین	میانه	انحراف معیار
کیفیت اقلام تعهدی	$X_1$	-۰/۰۰۳۷	-۰/۰۱۵۱	۰/۱۱۲۳
کیفیت افشا	$X_2$	۶۰/۰۴۸۶	۶۰/۷۸۱۷	۲۲/۴۵۱۶
پایداری سود	$X_3$	۰/۴۴۵۶	۰/۴۴۳۷	۰/۷۸۵۳
دقت اطلاعات مالی	$X_4$	۰/۲۰۰۹	۰/۲۰۶۸	۰/۰۶۰۳
نسبت سرمایه‌بری	$X_5$	۰/۴۴۱۵	۰/۲۳۵۱	۰/۶۱۴۳

فرضیه سیاسی و کیفیت گزارشگری مالی ... ۱۲۳

۰/۳۶۳۳	۰/۰۳۰۲	۰/۰۹۰۸	X <sub>6</sub>	درجه رقابت در صنعت
۰/۴۳۰۲	۰/۱۱۴۶	۰/۰۹۶۹	X <sub>7</sub>	نرخ مؤثر مالیاتی
۰/۶۳۳۴	۵/۹۲۹۲	۵/۹۲۰۶	X <sub>8</sub>	اندازه شرکت
۰/۰۰۱۱	۰/۰۰۰۸	۰/۰۰۱۱	X <sub>9</sub>	تراکم کارکنان
۰/۸۵۷۶	۰/۴۶۰۱	۰/۵۱۹۴	X <sub>10</sub>	ریسک (بتا)
۱/۴۵۴۰	۱/۷۶۸۴	۲/۱۱۳۸	X <sub>11</sub>	فرصت‌های رشد
۰/۵۶۰۸	۰/۱۲۰۰	۰/۲۱۱۱	X <sub>12</sub>	نسبت اهرمی

### همبستگی بین متغیرهای پژوهش

در جدول (۲)، همبستگی بین متغیرهای پژوهش ارائه گردیده است. همان‌گونه که مشاهده می‌شود، همبستگی شدید بین متغیرهای پژوهش وجود ندارد. از این‌رو، آزمون فرضیه پژوهش با اطمینان بیشتری صورت می‌پذیرد.

جدول ۲. ماتریس همبستگی بین متغیرهای پژوهش (۱۰<sup>-۳</sup>)

	X <sub>1</sub>	X <sub>2</sub>	X <sub>3</sub>	X <sub>4</sub>	X <sub>5</sub>	X <sub>6</sub>	X <sub>7</sub>	X <sub>8</sub>	X <sub>9</sub>	X <sub>10</sub>	X <sub>11</sub>	X <sub>12</sub>
X <sub>1</sub>	۱											
X <sub>2</sub>	۱۳۷ <sup>°°</sup>	۱										
X <sub>3</sub>	۱۷۷ <sup>°°</sup>	۱۰۶ <sup>°°</sup>	۱									
X <sub>4</sub>	۰۳۹	۰۳۸	۰۶۲	۱								
X <sub>5</sub>	-۰۷۸	-۰۰۱	-۰۴۳	۲۱۶ <sup>°°</sup>	۱							
X <sub>6</sub>	-۰۴۸	-۱۳۳	۰۴۷	-۰۹۳	-۰۵۱	۱						
X <sub>7</sub>	-۰۴۱	۰۴۹	۰۳۰	۰۱۸	-۰۱۴	۰۰۲	۱					
X <sub>8</sub>	-۰۲۲	۱۴۰ <sup>°°</sup>	۰۱۸	۲۰۲ <sup>°°</sup>	۰۲۸	۴۱۱ <sup>°°</sup>	-۰۰۵	۱				
X <sub>9</sub>	-۰۱۸	-۱۷۲ <sup>°°</sup>	۰۰۶	-۱۶۱ <sup>°°</sup>	۲۱۵ <sup>°°</sup>	۰۴۳	-۰۴۴	۵۸۵ <sup>°°</sup>	۱			
X <sub>10</sub>	۰۳۸	۰	-۰۰۷	-۰۱۰	-۰۳۳	-۰۶۲	۰۰۱	۱۸۷ <sup>°°</sup>	-۰۸۱ <sup>°°</sup>	۱		
X <sub>11</sub>	۱۲۱ <sup>°°</sup>	۱۰۷ <sup>°°</sup>	۰۶۴	-۰۳۵	-۰۰۳	-۰۹۶	۰۳۴	-۲۲۷ <sup>°°</sup>	۱۰۱ <sup>°</sup>	-۱۱۰ <sup>°°</sup>	۱	
X <sub>12</sub>	۰۲۸	۰۶۶	-۰۲۸	-۰۳۱	۰۹۵ <sup>°</sup>	۰۰۳	-۰۱۲	۰۶۳	۰۳۴	-۰۲۲	۰۵۵	۱

<sup>°°</sup> معنادار در سطح ۱ درصد، <sup>°</sup> معنادار در سطح ۵ درصد

### اعتبارسنجی الگوهای اندازه‌گیری پژوهش

اعتبار یک الگو با استفاده از معیارهای نیکویی برازش مورد بررسی قرار می‌گیرد. قبل از بررسی شاخص‌های نیکویی برازش، سطح معناداری ضرایب رگرسیون استاندارد شده مسیر متغیر پنهان به متغیر مشاهده‌پذیر (نشان‌گرها) مورد بررسی قرار می‌گیرد. چنانچه سطح

#### 1. Cross Validation

معنی داری ضرایب مسیر کمتر از ۵ درصد باشد، برآوردهای الگو بدین معنا است که این روابط توسط الگو تأیید می‌شوند و باید در الگو باقی بمانند و در صورتی که سطح معناداری بیش‌تر از ۵ درصد باشد، آن نشان‌گر از الگوی اندازه‌گیری حذف می‌گردد (قاسمی، ۱۳۹۲؛ ابارشی و حسینی، ۱۳۹۱). در رابطه با الگوی اندازه‌گیری هزینه‌های سیاسی، سطح معنی داری ضرایب برای متغیرهای نرخ مؤثر مالیاتی و نسبت سرمایه‌بری بیشتر از ۵ درصد بود. از این‌رو، این دو متغیر از الگوی اندازه‌گیری هزینه‌های سیاسی حذف شدند. در خصوص الگوی اندازه‌گیری کیفیت گزارش‌گری مالی نیز، سطح معناداری متغیر دقت اطلاعاتی مالی از آن‌جا که بالای ۵ درصد بود، از الگو حذف گردید. پس از حذف متغیرهای فوق، الگوی عاملی تأییدی دوباره مورد بازآزمونی قرار گرفت که نتایج ضرایب رگرسیون استاندارد شده متغیرهای مشاهده‌پذیر به همراه سطح معناداری هر یک از آن‌ها در جدول (۳) ارائه شده است.

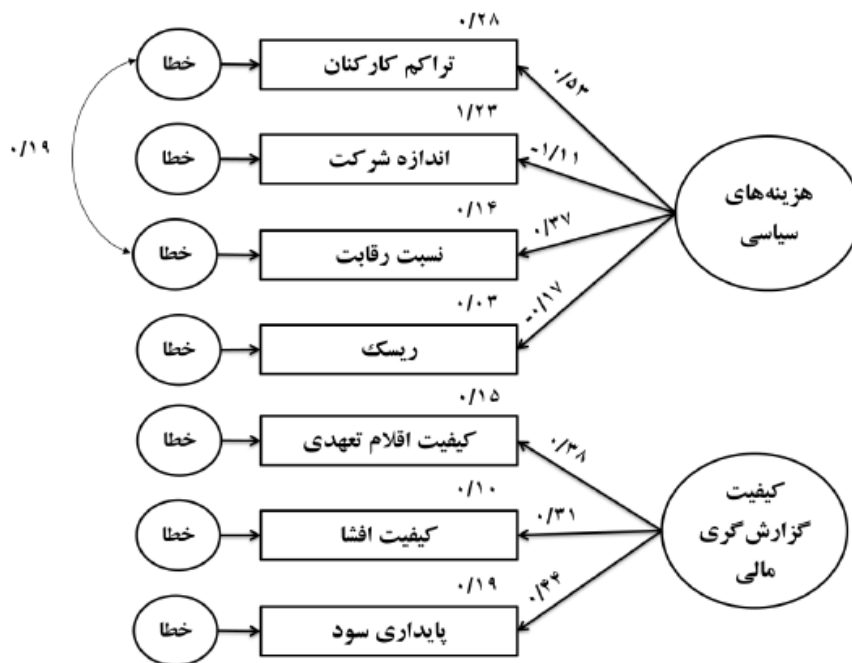
جدول ۳. نتایج استاندارد شده الگوی تحلیل عاملی تأییدی

سطح معناداری	ضریب رگرسیون	مسیر متغیر پنهان به نشان‌گرها
-	۰/۵۲۸	هزینه‌های سیاسی --- تراکم کارکنان*
۰/۰۰۰۱	-۱/۱۰۹	هزینه‌های سیاسی --- اندازه شرکت
۰/۰۰۰۱	۰/۳۷۱	هزینه‌های سیاسی --- درجه رقابت در صنعت
۰/۰۰۰۱	-۰/۱۷۱	هزینه‌های سیاسی --- ریسک
۰/۰۱۱۰	۰/۴۳۷	کیفیت گزارش‌گری مالی --- کیفیت اقلام تعهدی
۰/۰۱۰۰	۰/۳۱۴	کیفیت گزارش‌گری مالی --- کیفیت افشا
-	۰/۳۸۴	کیفیت گزارش‌گری مالی --- پایداری سود*

\* این مسیر بر روی عدد یک ثابت شده است

شکل (۲)، الگوهای نهایی کیفیت گزارش‌گری مالی و هزینه‌های سیاسی به همراه بارکنش‌ها<sup>۱</sup> و شاخص‌های نیکویی برازش مربوط به آن را نشان می‌دهد. اعداد روی پیکان‌ها همان ضرایب رگرسیونی مسیر متغیر پنهان به نشانگرها است. همچنین، مرتبط کردن جملات اخلاقی<sup>۲</sup> دو متغیر تراکم کارکنان و نسبت رقابت از طریق کواریانس، به منظور بهبود شاخص‌های برازش صورت پذیرفته است.

1. Factor Loading  
2. Error Terms



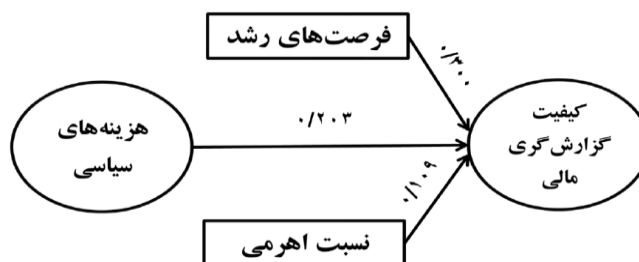
CMIN/DF=۲/۹۸۹	GFI=۰/۹۸۳	AGFI=۰/۹۶۱	NFI=۰/۹۲۸
CFI=۰/۹۵۰	RMSEA=۰/۰۵۸	PNFI=۰/۵۳۰	HOELTER=۳۴۹

شکل ۲. الگوی تحلیل عاملی تأییدی پس از حذف نشانگرهای ضعیف و رسم کواریانس به همراه شاخص‌های نیکویی برازش

در خصوص شاخص‌های نیکویی برازش باید اظهار داشت، چنانچه مقدار برآوردی شاخص  $CMIN/DF$  کم‌تر از ۳ باشد، خوب و اگر کم‌تر از ۵ باشد، قابل قبول است. آستانه پذیرش شاخص‌های  $GFI$ ،  $AGFI$ ،  $NFI$ ،  $CFI$  مقدار بالای ۹۰ درصد تعریف شده است. هم‌چنین بازه قابل قبول برای شاخص‌های  $RMSEA$ ،  $PNFI$  و  $HOELTER$  به ترتیب کم‌تر از ۱۰ درصد، بالای ۵۰ درصد و بالای ۲۰۰ می‌باشد (پهلوان‌شریف و مهدویان، ۱۳۹۴). همان‌گونه که مشاهده می‌شود، کلیه معیارهای نیکویی برازش، مقداری بیش از آستانه مورد پذیرش را دارا می‌باشند. از این‌رو، الگوی تحلیل عاملی تأییدی از اعتبار کافی جهت انجام آزمون فرضیه پژوهش برخوردار است.

## اعتبارسنجی الگوی ساختاری پژوهش

در مرحله ارزیابی الگوی ساختاری، بارکنش‌های عامل الگوی اندازه‌گیری دوباره تخمین زده می‌شود. به این صورت که بارکنش‌های عامل و خطای اندازه‌گیری در الگوی اندازه‌گیری و الگوی ساختاری، آزاد در نظر گرفته شده و تخمین زده می‌شوند. چنانچه مقادیر بارکنش‌ها در دو الگو، تفاوت آشکاری با یکدیگر داشته باشند، این امر مؤید وجود درماندگی در تفسیر<sup>۱</sup> است. مزیت این روش این است که می‌توان از نیکویی برازش الگوی اندازه‌گیری به عنوان مبنایی برای مقایسه استفاده نمود و نیکویی برازش الگوی ساختاری را با آن محک زد. این دیدگاه به صورت گسترده در الگوسازی معادلات ساختاری مورد استفاده قرار می‌گیرد (ابارشی و حسینی، ۱۳۹۱، قاسمی، ۱۳۹۲). در الگوی ساختاری، فرضیه پژوهش (روابط رگرسیونی و یا همبستگی بین متغیرها) مورد آزمون قرار می‌گیرد. در شکل (۳)، الگوی ساختاری پژوهش و ضرایب مسیر به همراه شاخص‌های نیکویی برازش ارائه شده است.



CMIN/DF=۲/۱۰۰۰	GFI=۰/۹۸۵	AGFI=۰/۹۶۷	NFI=۰/۹۲۶
CFI=۰/۹۶۱	RMSEA=۰/۰۴۱	PNFI=۰/۵۴۰	HOELTER=۴۶۳

شکل ۳. الگوی ساختار پژوهش به همراه شاخص‌های نیکویی برازش

بر اساس مطالب پیش‌گفته، مقادیر برآوردی کلیه معیارهای نیکویی برازش الگوی ساختاری، مقداری بیش از آستانه مورد پذیرش را دارا می‌باشند. از این‌رو، تفسیر نتایج مربوط به آزمون فرضیه پژوهش، با اطمینان بیش‌تری صورت می‌پذیرد. مقادیر ارائه شده بر روی پیکان‌های شکل (۳)، همان ضرایب رگرسیونی استاندارد شده (ضرایب مسیر) مربوط به آزمون فرضیه پژوهش می‌باشند. بر اساس اطلاعات ارائه شده در جدول (۴)، ضریب مسیر هزینه‌های سیاسی به کیفیت گزارش‌گری مالی ۰/۲۰۳ - محاسبه شده است. با توجه به

1. Interpretational Confounding

سطح معناداری این مسیر که ۰/۰۰۵ است، مشخص می‌شود دلیلی بر رد فرضیه پژوهش وجود ندارد. با توجه به منفی بودن و معناداری این اثر، می‌توان بیان نمود که افزایش هزینه‌های سیاسی، منجر به کاهش کیفیت گزارش‌گری مالی می‌شود. ضریب مسیر فرصت‌های رشد بر کیفیت گزارش‌گری مالی معادل ۰/۳۰۰ محاسبه شده که دارای مقداری تی ۰/۰۰۴ است. لذا، فرصت‌های رشد بر سطح کیفیت گزارش‌گری مالی مؤثر است. کردستانی و رحیمی (۱۳۹۰) در پژوهش خود عنوان داشته‌اند، شرکت‌هایی که به دنبال رشد و پیشرفت هستند باید سطح کیفیت گزارش‌گری مالی بالاتری را انتخاب کنند تا مشتریان و طرف‌های تجاری با استفاده از صورت‌های مالی بتوانند جریان‌های نقدی آتی شرکت را پیش‌بینی نموده و با اطمینان خاطر بالاتری با شرکت ارتباط تجاری داشته باشند. هم‌چنین، ضریب مسیر اهرم مالی به کیفیت گزارش‌گری مالی معادل ۰/۱۰۹ محاسبه شده که دارای سطح معناداری ۰/۱۱۵ است. لذا، این عامل بر کیفیت گزارش‌گری مالی مؤثر نیست. این در حالی است که آقایی و همکاران (۱۳۹۲) معتقدند، ساختار سرمایه که شامل بدهی‌های بلندمدت می‌شود و کیفیت گزارش‌گری مالی به واسطه تعیین و تغییر ساختار معاملات می‌تواند به هم مرتبط باشند. هم‌چنین، نتایج نشان می‌دهد که بر اساس رابطه مورد مطالعه قرار گرفته، متغیرهای مستقل و کنترلی توانسته‌اند، ۱۴ درصد تغییرات متغیر وابسته را پیش‌بینی کنند.

جدول ۴. نتایج مربوط به آزمون فرضیه پژوهش

فرضیه پژوهش	ضریب مسیر*	نسبت بحرانی	معنی‌داری تعیین	ضریب تعیین
هزینه‌های سیاسی <--- کیفیت گزارش‌گری مالی	-۰/۲۰۳	-۲/۷۸۱	۰/۰۰۵	
فرصت‌های رشد <--- کیفیت گزارش‌گری مالی	۰/۳۰۰	۲/۸۴۶	۰/۰۰۴	۰/۱۴
نسبت اهرمی <--- کیفیت گزارش‌گری مالی	۰/۱۰۹	۱/۵۷۶	۰/۱۱۵	

\* مقدار استاندارد شده رگرسیون

### نتیجه‌گیری و پیشنهادهای پژوهش

یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که هزینه‌های سیاسی، اثر منفی و معناداری بر کیفیت گزارش‌گری مالی دارد. نتایج پژوهش همسو با نتایج مطالعات صالح و دونمور (۲۰۰۹)، محمد و همکاران (۲۰۱۱)، سانگ و همکاران (۲۰۱۱)، چانی و همکاران (۲۰۱۲) و پورحیدری و همتی (۱۳۸۶) است. در خصوص نتایج پژوهش می‌توان عنوان داشت که

شرکت‌ها به منظور قرار نگرفتن در کانون توجه نهادهای دولتی و قانون‌گذار، صورت‌های مالی خود را با کیفیت پایین‌تر ارائه می‌نمایند. در واقع شرکت‌ها سعی دارند با این روش مانع از انتقال ثروت از واحد تجاری متبوع خود به سمت نهادهای دولتی و قانون‌گذار شوند. این در حالی است که گزارشگری مالی به عنوان کانال رسمی انتقال اطلاعات در بازار سرمایه و به عنوان ابزاری برای پاسخ‌گویی به صاحبان منابع شناخته شده است و هر گونه عدم ارائه صادقانه اطلاعات، سطح کارآیی بازار سرمایه را تقلیل خواهد داد که در چنین شرایطی، این کل بازار است که از تبعات این مسئله متضرر می‌شود. همچنین، بر اساس ادبیات پژوهش، می‌توان استدلال کرد که شرکت‌های که از اتصال سیاسی با نهادهای دولتی و قانون‌گذار برخوردار هستند به راحتی از امتیازهای مهم بهره‌مند شده و به منابع مالی از جمله منابع بانکی دسترسی دارند. این امر می‌تواند منجر به کاهش نظارت اعتباردهندگان و دیگر صاحبان منابع گردد که خود می‌توانست یکی از راه‌های تقاضا برای افزایش کیفیت گزارشگری مالی باشد. به طور کلی، در خصوص فرضیه سیاسی و کیفیت گزارشگری مالی می‌توان ادعا کرد که هزینه‌های سیاسی نه تنها رفتار مدیران را در ارتباط با انجام وظیفه‌های مستقیم آنها را اصلاح نمی‌کند، بلکه موجب پایین آمدن کیفیت گزارشگری نیز مالی می‌شود. بنابراین، به نظر می‌رسد یکی از سازوکارهایی که می‌تواند در کاهش تأثیر و حضور دولت در محیط اقتصادی و ایجاد فضای رقابتی و در نتیجه، افزایش کیفیت اطلاعات مندرج در صورت‌های مالی نقش داشته باشد، اجرای واقعی اصل ۴۴ قانون اساسی باشد. لذا، پیشنهاد می‌شود برای رفع اثرات نامطلوب اقتصاد سیاسی، اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی بیش‌تر در کانون توجه دولت‌مردان و نهادهای حاکمه قرار گیرد. هم‌چنین، به منظور قابل‌اتکاتر شدن نتایج پژوهش فعلی، موارد پیشنهادی ذیل می‌تواند در پژوهش‌های آتی مدنظر قرار گیرد:

(۱) تأثیر هزینه‌های سیاسی بر کیفیت گزارشگری مالی به تفکیک صنایع با مالکیت عمدتاً دولتی و خصوصی مورد مطالعه قرار گیرد؛ (۲) شواهد تجربی نشان داده است که استقرار نظام راهبری شرکتی مناسب، موجب بهبود کیفیت گزارشگری مالی می‌شود، لذا پیشنهاد می‌شود در پژوهشی اثر هزینه‌های سیاسی بر نظام راهبری شرکتی با تأکید بر کیفیت گزارشگری مالی مورد مطالعه قرار گیرد؛ (۳) با توجه به اثر منفی هزینه‌های سیاسی بر کیفیت گزارشگری مالی، پیشنهاد می‌شود در پژوهشی چگونگی برخورد حسابرسان با هزینه‌های سیاسی به منظور کاهش یا حذف این هزینه‌ها جهت بالا بردن کیفیت



گزارشگری مالی و قابلیت اتکای ارقام مندرج در صورت‌های مالی مورد مطالعه قرار گیرد؛ (۴) از آنجا که سود ابرازی اثر سهام شناور و معافیت‌های مالیاتی در آن لحاظ می‌شود، پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی به منظور محاسبه نرخ مؤثر مالیاتی، از این متغیر استفاده شود.

## منابع

- ابارشی، احمد. و سیدیعقوب، حسینی. (۱۳۹۱)، مدل‌سازی معادلات ساختاری، تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.
- ابراهیمی کردلر، علی. و شهریاری، علیرضا. (۱۳۸۸). بررسی رابطه هزینه سیاسی و محافظه‌کاری (فرضیه سیاسی) در بورس اوراق بهادار تهران، فصلنامه بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، ۱۶(۵۷): ۳-۵۷.
- آقایی، محمدعلی، جوان، علی‌اکبر، ناظمی‌اردکانی، مهدی. و موسوی ابراهیم. (۱۳۸۸). بررسی تأثیر مدیریت سود، اندازه شرکت و نسبت‌های سودآوری بر ساختار سرمایه، فصلنامه مطالعات حسابداری، ۲۵: ۱۰۳-۷۸.
- بزرگ‌اصل، موسی. (۱۳۷۳). نقش قراردادهای استقراض، طرح‌های پاداش و فرایند سیاسی در انتخاب خط مشی حسابداری، فصلنامه بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، ۲(۷-۶): ۲۴-۴۰.
- پورحیدری، امید. و همتی، داود. (۱۳۸۶). بررسی اثر قراردادهای بدهی، هزینه‌های سیاسی، طرح‌های پاداش و مالکیت بر مدیریت سود در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، فصلنامه بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، ۱۱(۳۶): ۴۷-۶۳.
- پهلوان شریف، سعید. و مهدویان، وحید. (۱۳۹۴). مدل‌سازی معادلات ساختاری با AMOS، تهران: انتشارات بیشه.
- پیری، پرویز، حمزه، دیدار. و دانشیار، فاطمه. (۱۳۹۴). بررسی رابطه کیفیت گزارشگری مالی با نوع اظهار نظر حسابرس در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، فصلنامه پژوهش‌های کاربردی در گزارشگری مالی، ۳(۵): ۴۷-۷۴.
- ثقفی، علی. و عرب‌مازار یزدی، مصطفی. (۱۳۸۹). کیفیت گزارشگری مالی و ناکارایی سرمایه‌گذاری، فصلنامه پژوهش‌های حسابداری مالی، ۲(۴): ۱-۲۰.
- جنانی، محمدحسن. و کنعانی علی‌آبادی، ذلیخا. (۱۳۹۵). بررسی رابطه بین هزینه‌های سیاسی و بازده غیرعادی سهام در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، مجموعه مقالات چهارمین کنفرانس ملی مدیریت، اقتصاد و حسابداری، ۲۳ اردیبهشت ماه، دانشگاه تبریز، ص ۱۳۴.
- حجازی، رضوان. و اوجی، محمد. (۱۳۹۱). چشم‌اندازی به تئوری حسابداری اثباتی، فصلنامه پژوهش حسابداری، ۱(۴): ۶۹-۹۶.

- حیدری، مهدی، دیدار، حمزه. و قادری، بهمن. (۱۳۹۴). بررسی تجربی رابطه بین فرضیه هزینه‌های سیاسی و فرصت‌های رشد شرکت: رویکرد مدل‌سازی معادلات ساختاری، فصلنامه مطالعات تجربی حسابداری مالی، ۱۳(۴۷): ۱۵۶-۱۴۱.
- خواجوی شکراله و حسینی سید حسین (۱۳۸۹)، بررسی رابطه حمایت سیاسی دولت و ساختار سرمایه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، فصلنامه پیشرفت‌های حسابداری، ۲(۱): ۸۴-۶۷.
- خواجوی، شکرالله، بایزیدی، انور. و جبارزاده کنگرلویی، سعید. (۱۳۹۱). بررسی تطبیقی کیفیت گزارش‌گری مالی شرکت‌های درمانده و غیردرمانده مالی پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، فصلنامه پژوهش‌های تجربی حسابداری مالی، ۱(۳): ۶۸-۶۳.
- دارابی، رؤیا. و پیری، مهناز. (۱۳۹۳). بررسی تأثیر سازوکارهای نظام راهبری شرکتی بر کیفیت گزارشگری مالی (شواهدی از بورس اوراق بهادار تهران)، پژوهشنامه اقتصاد و کسب و کار، ۵(۹): ۳۷-۲۵.
- دیدار، حمزه، منصورفر، غلامرضا. و حسن‌بابایی، مازیار. (۱۳۹۵). بررسی تأثیر محافظه‌کاری شرطی و غیرشرطی حسابداری بر کیفیت گزارشگری مالی، فصلنامه دانش حسابداری، ۷(۲۵): ۱۶۶-۱۴۵.
- رافیک، باغومیان. و نقدی، سجاد. (۱۳۹۳). تأثیر ساز و کارهای حاکمیت شرکتی بر میزان افشای اختیاری در گزارش‌گری سالانه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، فصلنامه دانش حسابداری مالی، ۵(۱۶): ۱۳۶-۱۱۹.
- رضایی، فرزین. و افروزی، لیلا. (۱۳۹۴). رابطه هزینه بدهی با حاکمیت شرکتی در شرکت‌های دارای ارتباط سیاسی، فصلنامه پژوهش حسابداری، ۴(۱۶): ۱۱۲-۸۵.
- رضایی، فرزین. و ویسی حصار، ثریا. (۱۳۹۳). اثر روابط سیاسی با دولت بر رابطه بین تمرکز مالکیت با کیفیت گزارشگری مالی و هزینه سهام عادی، فصلنامه بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، ۲۱(۴): ۴۷۰-۴۴۹.
- ستایش، محمدحسین. و ابراهیمی میمند، مهدی. (۱۳۹۴). رابطه بین نوع مالکیت نهادی و کیفیت افشا در بورس اوراق بهادار تهران، فصلنامه مطالعات تجربی حسابداری مالی، ۱۲(۴۸): ۷۵-۵۳.
- سجادی، سیدحسین، زراءنژاد، منصور. و جعفری، علیرضا. (۱۳۹۰). ویژگی‌های غیرمالی مؤثر بر کیفیت گزارشگری مالی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار

- تهران، فصلنامه بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، ۱۶(۵۷): ۶۸-۵۲۱.
- علی صوفی، هاشم. (۱۳۹۴). سیاسی کاری در حسابداری و پیامدهای اقتصادی آن، فصلنامه پژوهش حسابداری، ۵(۱۸): ۱۲۸-۱۱۳.
- قاسمی، وحید. (۱۳۹۲)، مدل‌سازی معادلات ساختاری در پژوهش‌های اجتماعی با کاربرد Amos Graphics، تهران، انتشارات جامعه‌شناسان.
- کردستانی، غلامرضا. و رحیمی، مصطفی. (۱۳۹۰). بررسی عوامل تعیین کننده انتخاب سطح کیفیت گزارشگری مالی و اثرات اقتصادی آن در بازار سرمایه، فصلنامه دانش حسابداری مالی، ۱(۱): ۹۱-۶۷.
- محمودآبادی، حمید. و نجفی، زهرا. (۱۳۹۲). نقش شفافیت اطلاعات در تبیین رابطه بین حمایت سیاسی دولت و عملکرد شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، فصلنامه حسابداری مدیریت، ۶(۱۸): ۷۱-۵۷.
- مشایخ، شهناز، اربابی، زهرا. و رحیمی فر، معصومه. (۱۳۹۲). بررسی انگیزه‌های مدیریت سود، فصلنامه پژوهش حسابداری، ۳(۹): ۷۰-۵۳.
- نیکومرام، هاشم. و بادآورنهدی، یونس. (۱۳۸۸). تبیین و ارائه الگویی برای تبیین و ارزیابی عوامل مؤثر بر انتخاب کیفیت گزارشگری مالی در ایران، فصلنامه فراسوی مدیریت، ۸.
- نیکومرام، هاشم. و فتحی، زاده. (۱۳۹۰). تأثیر استانداردهای ملی حسابداری ایران بر کیفیت گزارشگری مالی با تأکید بر پایداری سود در بورس اوراق بهادار تهران، فصلنامه حسابداری مدیریت، ۴(۸): ۴۵-۳۱.
- نیکومرام، هاشم.، بنی‌مهد، بهمن. رهنمای رودپشتی، فریدون. و کیائی، علی. (۱۳۹۲). دیدگاه اقتصاد سیاسی و مدیریت سود، فصلنامه حسابداری مدیریت، سال ۶(۱۸): ۴۳-۳۱.
- هاشمی، سیدعباس.، صمدی، سعید. و هادیان، ریحانه. (۱۳۹۳). اثر کیفیت گزارشگری مالی و سررسید بدهی بر کارایی سرمایه‌گذاری، فصلنامه مطالعات تجربی حسابداری مالی، ۱۱(۴۴): ۱۴۳-۱۱۷.
- Barth, M., Beaver, W., and Landsman, w. (2001). The Relevance of Value Literature for Financial Accounting Standard Setting: Another View. *Journal of Accounting and Economics*, Available Online at: [www.ssrn.com](http://www.ssrn.com).
- Belkaoui, A., and Karpik, P. g. (1989). Determinants of the Corporate

- Decision to Disclosure Social Information. *Accounting, Auditing and Accountability Journal*, 2(1): 36-51.
- Biddle, G., Gilles, H., and Verdi, R. (2009). How Does Financial Reporting Quality Relate to Investment Efficiency? *Journal of Accounting and Economics*, 48: 112-131.
- Brandt, M., Brav, A., Graham, J., and Kumar, A. (2010). The Idiosyncratic Volatility Puzzle: Time Trend or Speculative Episodes? *Review of Financial Studies*, 23(2), 863-899.
- Bushman, R. and Piotroski, J. (2006). Financial Reporting Incentives for Conservative Accounting: The Influence of Legal and Political Institutions. *Journal of Accounting and Economics*, 42: 107-148.
- Chaney, P. K., Faccio, M., and Parsley, D. C. (2012). The Quality of Accounting Information in Politically Connected Firm. *Working Paper*. Vanderbilt University.
- Chen D., Jieying, L., Shangkun, L., and Guojun W. (2011). Macroeconomic Control, Political Costs and Earnings Management: Evidence from Chinese Listed Real Estate Companies, *Journal of Accounting Research*, 4: 91-106.
- Correia, M. M. (2012). Political Connections, SEC Enforcement and Accounting Quality, Rock Center for Corporate Governance at Stanford University, *Working Paper*.
- Faccio, M. (2007). Politically Connected Firms. *The American Economic Review*, 96(1).
- Godfrey, J., and Jones, K. L. (1999). Political Costs Influence on Income Smoothing via Extraordinary Item Classification, *Journal of Accounting and Finance*, 39: 229-254.
- Inoue, T., and Tomas, W. B. (1996). The Choice of Accounting Policy in Japan. *Journal of International Financial Management and Accounting*, 7(1): 1-23.
- Kern, B. B., and Morris, M. H. (1991). Taxes and Firm Size: The Effect of Tax Legislation during the 1980s. *The Journal of the American Taxation Association*, 80-96.
- Leuz, C. and Oberholzer-Gee, F. (2006). Political Relationships, Global Financing and Corporate Transparency: Evidence from Indonesia. *Journal of Financial Economics*, 81(2): 411-439.
- McNichols, M. (2002). Research Design Issue in Earnings Management Studies. *Journal of Accounting and Public Policy*, 19(4-5): 313-345.
- Mohammed, N. F., Ahmed, K., and X. D. Ji (2011). Accounting Conservatism, Corporate Governance and Government political support: Evidence from Malaysia, *American Accounting Association Annual Meeting*, Denver, Colorado.
- Salamon, L. M. and Siegfried, J. J. (1977). Economic Power and Political Influence: The Impact of Industry Structure on Public

- Policy. *The American Political Science Review*, 71(3): 1026-1043.
- Salleh, F., and Dunmore, P. V. (2009). Government political support, Corporate Governance and Financial Reporting Quality: Evidence from Companies in Malaysia, *Annual Meeting and Conference on Teaching and Learning in Accounting*, New York.
- Song, Y., Lina, W., and Zi, Y. (2011). Impacts of Political Connections on Earnings Quality of Chinese Private Listed Companies, *Journal of Advances in Education and Management Communications in Computer and Information Science*, 211: 85-92.
- Watts, R. L., and Zimmerman, J. L. (1986). *Positive Accounting Theory*. New Jersey: Prentice-Hall, Inc.
- Wong, J. (1988). Economic Incentives for the Voluntary Disclosure of Current Cost of Financial Statement, *Journal of Accounting and Economics*, 10: 152-167.
- Zmijewski, M., and Hagerman, R. (1981). An Income Strategy Approach to the Positive Theory of Accounting Standard Setting Choice. *Journal of Accounting and Economics*, 8:129-149.